



"صدا و سیمای سه وجهی"

مدتی است متنی در حال دست به دست شدن است، ظاهراً از یک مجله‌ی معتبر غیر ایرانی؛ «رهبر ۸۱ ساله ایران، سه ساعت برای مردمانش صحبت می‌کند بدون ذره‌ای تکرار... رهبر ایران با ۸۰ دقیقه "تکلم سه وجهی" رکورد تکلم سه وجهی که مربوط به هیتلر و چرچیل، با ۹ دقیقه بود را شکسته است...»

تکلم سه وجهی چیست؟

یک نوع تکلم تخصصی است که گوینده هنگام بیان و یا کتابت همزمان بایستی "سه گروه" را مد نظر قرار بدهد و خطابش برای آنان "موثر" باشد در ضمن با اینکه یک سخنرانی واحد است اما بایستی به قدری هوشمندانه باشد که آن سه گروه به صورت مجزا خوراکِ خودشان را از آن تکلم برداشت کنند؛

گروه اول؛ "ملت"

گروه دوم؛ "مستولین"

گروه سوم؛ "دشمنان"

به این نوع سخن گفتن که سخت ترین نوع بیان است و منحصر است در بیانات رهبران و حاکمان، "تکلم سه وجهی" می‌گویند.

به نظر می‌رسد خط مشی و سیاست های کلان "رسانه جمهوری اسلامی ایران" هم که ذیل رهبری است بایستی بر یک مبنای "سه وجهی" محقق شود، البته با مقداری تفاوت؛

به این معنا که "صدا و سیما" که "رسانه انقلاب اسلامی" است بایستی برای سه گروه خوراک داشته باشد، البته بدون مرز بندی بین و بصورت کاملاً "ترم"...

سه گروه را در نظر بگیرید که هر کدام "جهتی" مخصوص به خود را دارند اما در عین حال دارای یک "وجه مشترک" می‌باشند که "شدت" آن وجه اشتراکی بسیار شدید تر است از آن وجوه مختص به خودشان، مانند "اضلاع مثلث" که هر ضلع جهت مجزا و مخصوص به خود را دارد اما به صورت کلی هر سه ضلع در "مثلث" بودن کاملاً اشتراک دارند...

حالا در "ایران عزیز" هم صدا و سیما با سه گروه مواجه است که هر کدام "جهتی" دارند اما وجه مشترکشان همان "ایران" است که ایران یعنی هر سه گروه، نه یک یا دو گروه.

فرض کنید گروه سمت راست "متدینین" هستند، یعنی همان کسانی که دین اسلام را "انتخاب" کرده اند گروه سمت چپ کسانی هستند که هنوز دین را انتخاب نکرده اند و شاید هم هیچ گاه انتخاب نکنند و کسی هم حق ندارد آنان را مجبور کند تا با "اکراه" دین را بپذیرند، البته "دعوت" به دین ممدوح است و زیبا

گروه وسط هم کسانی اند که نه دین را کامل انتخاب کرده اند نه انتخاب نکرده اند! علاقه مند هستند به برخی شئون دینی مثل امام حسین علیه السلام و شهدا و نذری و... و همینطور وابستگی هایی دارند به برخی شئون غیر دینی...

به صورت کلی کسانی اند که گاهی به گروه سمت راست نزدیک می شوند و گاهی به گروه سمت چپ و گاهی هم جمع بین هر دو که البته تعدادشان بیش از آن دو گروه است.

اما وجه مشترک هر سه گروه این است که "ایران را دوست دارند و به حقیقت دین احترام می گذارند"، "ضد دین و ضد ایران" خارج است از این سه گروه که البته قلیل اند و حقیر...

ناگفته نماند؛ سوال داشتن که گاه "اعتراضی" است، نفهمیدن که گاه با "انکار ظاهری" بروز پیدا می کند، استضعافات فکری و عقلی، فریب خوردن، خطایی کردن و موضوعات از این دست، هیچ کدام "ضدیت" با ایران و دین "به حساب نمی آید و اینها طبیعی است که از انسان غیر معصوم سر بزنند، از هادی بیشتر از همه...

"ضد ایران" آن کسی است که "من متنفرم از ایران" را سر می دهد و همینطور بر ضد کشورش "اقدام" می کند

"ضد دین" آن کسی است که "من متنفرم از دین" را سر می دهد و همینطور بر ضد دین "اقدام" می کند اگر بگویند از هادی یا امثال هادی متنفرم نه ضد ایران است نه ضد دین...

حالا صدا و سیما وقتی که "رسانه انقلاب اسلامی وسیع و زیبا است" بایستی در تمام کنش ها و بروزاتش برای این "سه وجه" و به زبان کلی برای "ملت ایران" برنامه داشته باشد، نه برای یک یا دو ضلع!

صدا و سیما جان، مراقب باش! دارد ردپای کسانی که "یک ضلعی" هستند در تو زیاد می شود!

صدا و سیما جان تو حوزه، دانشگاه، مسجد، حسینیه، هیئت، موسسه امام خمینی! دانشکده امام صادق! یا دسته ی روحانیون و روحانیت و تحکیم وحدت و انصار حزب الله و آمد و نیامد نیوز و خوف و رجا نیوز نیستی!

تو کیهان و ایران و شرق و همشهری و فلان نیستی عزیزم!
تو اصول راست و اصلاح چپ و نمیدانم چیه وسط نیستی که!

آنها هر کدام "رسانه ی یک ضلع" و در خدمت جهت خودشان هستند که البته اشکالی هم ندارد و وجود "اضلاع" در ملت خوب و طبیعی هم است...

صدا و سیما جان، تو بایستی فقط و فقط مانند "رهبر ملت" فراتر از یک ضلع و دو ضلع باشی، تو بایستی به سان رهبر و انقلاب و جمهوری اسلامی "سه وجهی" عمل کنی.

می دانی از کجا پای "تک ضلعی ها" در تو باز شد؟
شاید وقتی که از "ذات و ماهیت و فلسفه ات" غافل شدی که تو "رسانه ی انقلاب اسلامی ای هستی

که برای ایران است نه گروهی خاص"...

همانجا دچار بدعتی زشت و ناخوشایند شدی و اجازه دادی کنار "بازار گرم" تو، دکه ای عارض شود به نام "افق" که بیاید و بگوید؛ من "شبکه گفتمان انقلاب اسلامی ام"!!!

مگر شبکه سه گفتمان هیتلر بود!
مگر شبکه نسیم گفتمان گوگوش بود!

مگر شبکه ورزش گفتمان چنگیزخان مغول بود!
مگر شبکه چهار گفتمان مادها و سلوکیان و اشکانیان بود!

آهای با شما هستم، هان؟!؟! (یعنی دارم داد می زنم)
صدا و سیما جان، تو "رسانه ی دوست داشتنی جمهوری اسلامی ایران هستی" پس هر کدام از فرزندان

ایران را که هنر و سواد و تخصصی دارد و قادر است برای "آن سه وجه" فعالیت کند را در آغوش بگیر،
بینندگان "پیشانی بلندت" را حفظ کن، "بینندگان جانت" را محترم بشمار
چرا انقدر فرزندان اصیل و فاخر ایرانی در تو کم شده اند و هر که تازه به دوران رسیده است و می خواهد
"خودش و ضلعش" دیده بشود در تو فراوان شده است؟!
بخصوص در دهه ی کناری...

البته تا دیرتر از این نشده، همان دهه را هم از آن خود کن و جزو سازمانت به حساب بیار اما با یک
"دگردیسی" کامل
مگذار هیچ کدام از شبکه های "خانه ی احزاب" و "پایگاه یک ضلعی" شود...
سیما جان، "محمد صالح علایت" کجاست تا با دکتر ولایتی گپ بزنی و ادب گفتگو را به فرزندان این
خاک بیاموزد!

اصلا چه اشکال دارد آن "مجری جان" تنهای تنها رو به دوربین بنشیند و شعرهایش را بخواند؟! خسته
نشدی سیما جان از این همه میزگرد و مناظره و دوئل های بی ثمر!
بگذار "صالح پیشانی بلندت" تاختی بیاید و شعرش را بخواند و برود؛
"شما که سواد داری، لیسانس داری، روزنامه خونی
با بزرگون می شینی، حرف میزنی، همه چی می دونی
شما که کله ت پره، معلم مردم گنگی
واسه هر چی که می گن جواب داری، در نمیمونی
بگو از چیه که من، دلم گرفته؟

راه میرم دلم گرفته، میشینم دلم گرفته
گریه می کنم، می خندم، پا میشم، دلم گرفته
من خودم آدم بودم، باد زد و حوای منو برد
سوار اسبی بودم که روز بارونی زمین خورد
عمر من کوه عسل بود ولی افسوس
روزی بد انگشت انگشت اونو لیسید
بعد نشست تا تهشو خورد ...

سیما جان تا بحال با "آقا صالح علاء" گپ دو نفره زده ای؟
تا با آن آب و تاب گرمش زل بزنی به چشمانت و سر خم کند و آرام بگوید؛ "اجازه می فرماید گاهی
خواب شما را ببینم!؟" و تو غرق در خجالت شوی از این همه "مهر" ...
صدا جان، "مهران دوستی" بی نظیرت که از دنیا رفت چرا راهش را بستی و کافه اش را تعطیل کردی!
انقدر ضعیف فرزند فرهیخته دارد این خاک که کسی نبود جایش را پر کند؟! باور نمی کنم...

صدا جان، "حسین آهی" ات هم که رفت همان ماجرا رخ داد!
صدا جان، "صبح جمعه با شما" که ایران و ایرانی را فرح می بخشید چه شد؟!
کدام مسئول مقابله را گرفت! توی دهن آن مسئول تک ضلعی می زدی تا حساب کار دستش بیاید، تو
پشتت به رهبرت گرم است و "رهبرت سه وجهی است" نه تک ضلعی!
اصلا بیا صدا و سیما جان با هم سری به فرزندانت بزنی؛

سلام آقای "رامبد جوان" خوب هستید؟ آیا شما ضد ایران یا ضد دین هستید؟! کی؟! من؟! محاله!
جانم فدای ایران

پس در شبکه منتظران هستیم

راستی اینکه چرا علاقه مند بودید فرزندان خارج از ایران به دنیا بیاید و کذا که در رسانه ها پر کردند؟! به ما و هیچ کس دیگر ارتباطی ندارد، اینها مسائل شخصی شماست، و شما انسان هستید و "انسان موجودی است مختار"

البته مختار است ولی اگر "مزدور بشود و خائن" دیگر در هیچ کدام از سه ضلع جای ندارد، می شود "جعفر پناهی" و سیما جان پرتش می کند بیرون و کار خوبی هم می کند...

سلام آقای "مهران مدیری"

سلام آقای "مهدویان"

سلام خانوم "پگاه آهنگرانی" و درود بر مادر مودبتان "بانو منیژه حکمت" که همواره بر "مدار ادب و اصالت" است

شما هنرمندان آیا ضد ایران و ضد دین هستید؟ معلوم است که نه

راستی "پگاه خانوم" یادم می آید مقاله ی جاهلانه ای را خواندم پیرامون شما با عنوان "پگاه آهنگرانی سمبل جهالت و فریب خوردگی" که هم تعجب کردم، هم ناراحت شدم و هم خندیدم به نویسنده اش که حتی قادر نبود تشخیص بدهد که بازی های شما در فریب خوردن و اینها تنها یک "نقش" است نه شخصیت خودتان، به دل نگیرید، بگذریم...

به به سلام عادل جان "فردوسی پور"، خوبید؟ مشتاق دیدار، شنیدار

عادل خان، شما ضد ایران و اسلام هستید؟! نه به هیچ وجه، بنده معتقدم و مسلمان نا سلامتی!

منکه می دانم، این را رئیس شبکه سه باید می دانست که نمی خواست بدانند!

شما در "دین تنگ" و "انقلاب تنگ" یکی دو نفر از یک ضلع مشخص، جا نشدید ولی به دل نگیرید... به هر حال متاسفانه "شبکه سه" هم به "تنگی" گرفتار شده است، شنیده ام "شبکه چهار" هم دارد تنگ می شود، اصلا هر جا رد پای "بچه های" فلان دانشگاه مشاهده می شود بلافاصله "تنگ" شدن ها هم آغاز می گردد، می دانی که شعارشان چیست؟ "یا با مایی یا بر مایی"

راستش را بخواهی بعد تو دیگر "۹۰" را ندیده ام، حتی اگر اینترنتی و اینستاگرامی و کذا هم برگزار کنی نمی بینم!

بایستی برگردی و در همان "رسانه ملت ایران" اجرایش کنی، که بر خواهی گشت ان شاء الله...

گرچه برخی تنگناها به "ففل شدن" رسیده است، اما "گشایشی" در پیش است و مفتاحی در راه (حتما متوجه شدی چرا نگفتم "کلید"! این روزها منفور تر از آن کلمه یافت نمی شود)

بیا برگردیم صدا و سیما جان، به گفتگوی دو نفره خودمان ادامه بدهیم؛

راستی بگو ببینم چرا "موسیقی های فاخرت" کم است؟!

می دانی که اگر پشت به بزرگان موسیقی کنی، یعنی کسانی که در باطن خواندنشان "درد و مسئله و اندیشه ای" بود، حالا کاملا درست، یا به کم درست، یا غلط، آنگاه کسانی عرصه ی موسیقی را به دست خواهند گرفت که "عقده ی حقارت" دارند و با هر خزعبلاتی می خواهند دیده بشوند! که خدا نکند "هنر" به دست انسانی که عقده حقارت دارد بیفتد...

حالا بگو ببینم آیا "حبیب" ضد ایران و ضد دین بود؟! چرا قبل از اینکه از دنیا برود برنگرداندی اش به رسانه ی میهن!

ضد دین بود که نمیخواند؛

آسمون آبی و قامت مناره ها

گنبد و گل دسته ها که داره اشاره ها

کلاغ ها دم غروب شور و غوغایی دارن

رو درختای چنار هر کدوم جایی دارن
هوای امامزاده همیشه مقدسه
اونجا دلتنگی تو بسته به نفسه
زنا با چادر سیاه با رو بنده توری
میان از راه می رسن با یه عهد و منظوری
اگه صد تا راز دل همه بنهفته باشی
در یه لحظه می تونی همه رو گفته باشی...
چنین آهنگی را یک انسان ضد دین می خواند!؟

آنور آبی بود!؟ مگر رهبر روشنفکرت فتوا نداده بود که ملاک در موسیقی این ور آبی یا آن ور آبی بودنش نیست!؟

خوب با آن پونس و میخ هایی که امثال "بهزاد نبوی و دوستانش" در ملت فرو می کردند من هم بودم می رفتم آن ور آب...

"حبیب" را می آوردی برایت بخواند؛
در این زمانه ی بی های و هوی لال پرست
خوشا به حال کلاغانِ قیل و قال پرست
چگونه شرح دهم لحظه لحظه ی خود را
برای این همه ناباور خیال پرست
به شب نشینی خرچنگ های مردابی
چگونه رقص کند، ماهی زلال پرست
رسیده ها چه غریب و نچیده میفتند
به پای هرزه علف های باغ کال پرست...
اصلا حبیب رفت، ولی "سیاوش" چطور؟
سیاوش قمیشی ات کجاست آقای صدا، آقای سیما؟

منکه دقیق نمی دانم، ولی آیا خودت از او پرسیده ای که ضد دین و ضد ایران است یا نه؟
منکه بعید می دانم، وگرنه نمی خواند؛

هیشکی مثل ابرونی همیشه
ابرونی ساقه و برگ ریشه
ساقه از ریشه جدا همیشه
روزگارمون پاییز میشه
اما هیچ وقت زمستون نمیشه
ابرونی برقراره همیشه
هیشکی مثل ابرونی همیشه
با تمام تلاشی که میشه
ساقه از ریشه جدا نمیشه
برگ های سبزمون زرد میشه
بهارمون زمستون نمیشه
ابرونی برقراره همیشه
هیشکی مثل ابرونی همیشه...

تا عمرش به این دنیاست، برش گردان، با گذشته اش هم کاری نداشته باش، قابل جبران است...
بگذار سیاهش بخواند برای جوانانی که بی حال اند و فقط با موسیقی حال می کنند، بخواند برایشان؛

آدما هجوم آوردن، برگای سبز تو بردن
توی پاییز و زمستون ساقه تو به من سپردن
سنگینیت رو سینه من، سایه تم نصیب مردم
میوه هاتم آخر سر که میشن قسمت هر خم
نه دیگه پا میشم این بار خالی از هر شک و تردید
میرم اون بالاها مغرور تا بشینم جای خورشید
تن به سایه ها نمیدم بسه هر چی سختی دیدم
انقدر زجر کشیدم تا به آرزوم رسیدم
"بذار آدما بدونن میشه بیهوده نپوسید
میشه خورشید شد و تابید میشه آسمونو بوسید"

صدا و سیما جان، وقتی تو "رسانه فاخر جمهوری اسلامی ایران" باشی، آنگاه هر کدام از افراد آن سه
وجه، هر کدام از شبکه هایت را ببینند دچار گرما و امید و حس غیرت ملی و دینی می شوند، نه اینکه
فقط یک شبکه بخواهد تظاهر به گفتمان انقلاب! کند که ثمره اش کاملاً بر عکس می شود و منجر به
سردی و لرز و ناامیدی و حس انزجار می گردد

اگر شبکه ای "جزیره ای" عمل کرد، بعد از مدتی مخاطبانش در جامعه جزیره ای عمل خواهند کرد و
دست به ایجاد دو قطبی های مضر خواهند زد، نگوی نگفتی سیما جان...

یک وقتی کسی پرسید "گاندو" بهتر بود یا "خانه امن"؟
پاسخ داده شد؛ سوال غلط است، چرا که گاندو برای یک ضلع ساخته شده بود اما خانه امن برای هر
سه ضلع، لذا هر سه ضلع تحسینش کردند

پرسید "شبکه افق" بهتر است یا "شبکه نسیم"؟
پاسخ داده شد؛ باز هم سوال غلط است، وحدت موضوع ندارند، چرا که نسیم برای هر سه ضلع وضع
شده است ولی افق برای یک ضلع، که البته شواهد نشان می دهد که برای یک ضلع هم نتوانسته است
خوشایند باشد! شاید فقط خود دست اندرکاران و خانواده های محترمشان ببینند که آن هم بعید است،
افق خیلی "تنگ" است...

باز هم صد رحمت به "راديو معارف" که لااقل یک ضلع را تا حدودی جذب کرد، البته من که
"راديو جوانی ام"، "راديو فرهنگي ام"، "راديو ایرانی ام"، وه که "راديو تهراني ام"...

حالا بگذریم که آخرش هم نفهمیدم ماجرای "راديو گفتگو" چیست؟!؟

مگر راديوهای ديگر اکثراً برنامه هایشان "گفتگو" نیست؟!؟

اصلاً راديو گفتگو مخاطب دارد؟!؟

کاش می شد به جای آن، جمهوری اسلامی ایران یک "راديو فلسفه" داشت تا فلسفه و حکمت ایرانی
اسلامی اش که گمشده ی خیل عظیمی از جوانان است را جلوه دهد، شاهدش را خواستی سری به برنامه
محبوب "معرفت" که میزبان استاد دینانی است بزن، تا پای ثابت آن گاه شیرین اندیشه و فلسفه شوی...
صدا و سیما جان، خدایت حجت را بر تو تمام کرده است، دیگر کار و بارت آسان است؛ چه الگو و مبنا
و شاخصی برای "سه وجهی" بودن می خواهی بهتر از "سردار شهيد قاسم سلیمانی"

"حاج قاسم" کی می گفت از ایران بروید!

"حاج قاسم" کی بی ادبی می کرد و در برنامه هایش حمله می کرد و باعث "تنش در جامعه" می شد!

صدا و سیما جان، اگر تک ضلعی عمل کنی نمی توانی "اندیشیدن" را به خانه های مردم ایران بیاوری بلکه تنها باعث می شوی ضلعی بیفتد به جان ضلعی دیگر...

صدا و سیمای عزیزم

من نگرانم، اما امیدوارم و آرزومند که تنها کسانی امورات تو را به دست بگیرند که قادرند همچون سردار دلها از تمام ظرفیت ها استفاده کنند و "نفوذی" هیچ کدام از اضلاع نباشند بلکه دغدغه شان کلیت این "مثلث" زیبا باشد یعنی "ایران"

مراقب باش عزیزم، هر مدیری، مجری ای، برنامه سازی که دیدی می خواهد "تک ضلعی" عمل کند را زود از خود بران، بگو برود در روزنامه و سایت و جبهه ی ضلعشان فعالیت کند، نه در خانه ی تو، که منزل و امید ملت است...

راستی تمام این متن را یکبار دیگر با صدای مخملین، مادرانه و حکیمانه ی "بانو مریم نشیبا" برای خودت بازخوانی کن تا بدانی جز محبت و دغدغه دلیلی نداشته است جهت مرقوم شدن، "برنامه و شخصیت" آن بانوی هنرمند و تکرار نشدنی، سمبلی است از یک برنامه "ملی" و موفق که مخاطبان "سی ساله" دارد و عده ی زیادی از هر سه نسل بعد از انقلاب هر روز عصر با "گلبانگ" او خوش می گذرانند.

"جمهوری"

"اسلامی"

"ایران"

سه ضلعی است که تنها وقتی کنار هم قرار می گیرند زیبا و با شکوه می شوند؛ "جمهوری اسلامی ایران"

